



Assistant Professor of Public Administration,
PNU

بررسی موانع توسعه کار آفرینی؛ (مطالعه

موردی: دانشگاه پیام نور خراسان رضوی)

محمد موسوی^۱

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه اعضاء هیأت علمی در دانشگاه پیام نور خراسان رضوی می‌باشد. بدین منظور از بین اعضاء هیأت علمی تمام وقت پیام نور خراسان رضوی تعداد ۶۱ نفر به طور تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. این پژوهش از نظر روش توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. در این تحقیق از پرسشنامه‌ای محقق ساخته استفاده گردید که شامل ۲۰ سؤال است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب اعتبار محاسبه شده ۰/۷۸۶ درصد می‌باشد. با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون T همبسته و F فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، موانع ذهنی با میانگین ۳/۵۴ بیشترین تاثیر و دلسرد کردن خود توسط دیگران با میانگین ۱/۸۰ کمترین تاثیر بر عدم توسعه کارآفرینی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: موانع ذهنی، اعضاء هیأت علمی، عدم توسعه کارآفرینی

Abstract:

The purpose of this study is identifying barriers to entrepreneurship development from the perspective of the academic staff in PNU Khorasan Razavi. Therefore, 61 full-time faculty members of Khorasan Payame Noor were selected randomly. This research is descriptive regarding in terms of method and applicable regarding its purpose. In this study, the researcher used a questionnaire consisting of 20 questions. Cronbach's alpha was used to determine the validity of the questionnaire. The calculated credit index was 78 per cent. The theories of this research were studied applying SPSS software and paired T-test and F. The results show that mental barriers with the average 3/54 have the maximum impact and being discouraged by others with the average of 1/80 has the minimum effect on the lack of entrepreneurship.

Keywords: Mental barriers, faculty members, lack of entrepreneurship

Obstacles to the Development of
Entrepreneurship (Case Study; PNU
Khorasan Razavi)
Mohammad Mousavi

¹. [Mosavi1964@yahoo.com](mailto:mosavi1964@yahoo.com)

بررسی موانع توسعه کار آفرینی؛ بررسی موانع توسعه کار آفرینی؛

(مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور خراسان رضوی)

۱- مقدمه

کارآفرینی فرآیند یا مفهومی است که در آن فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید و با بسیج منابع به ایجاد کسب و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید و نوآور رشدیابنده مبادرت می‌ورزد. این امر همراه با پذیرش خطرات است ولی اغلب منجر به معرفی محصول یا ارائه خدمت به جامعه می‌شود. بنابراین «کارآفرینان» عوامل تغییر هستند که گاهی موجب پیشرفت‌های حیرت‌انگیز نیز شده‌اند.

انگیزه‌های مختلفی در کارآفرین شدن مؤثر می‌باشند که از جمله آن‌ها: نیاز به موفقیت^۱، نیاز به کسب درآمد و ثروت، نیاز به داشتن شهرت، و مهم‌تر از همه نیازمندی به احساس مفید بودن و استقلال طلبی را می‌توان نام برد. از دیگر مشخصات کارآفرینان داشتن خلاقیت و نوآوری^۲، دارا بودن قدرت تحمل ابهام^۳، داشتن اعتماد بنفس و عزت نفس، آینده‌نگر و عمل‌گرا بودن و فرصت‌شناس بودن می‌باشد.

روند تحول زندگی بشر از دوران غارنشینی تاکنون همواره تحت تاثیر عامل «تغییر» بوده است. از میان عوامل تغییر به عامل انسانی توجه خاصی مبذول گردیده که از این میان نیز کارآفرینان^۴ دارای جایگاه ممتازی می‌باشند. امروزه کارآفرینان به عنوان موتور توسعه اقتصادی مطرح می‌باشند و سعی در تشویق محیط به عرضه بیشتر مدیران کارآفرین و ظهور استعداد‌های کارآفرینانه دارند (رضائیان، ۱۳۸۴).

وقتی از بسیاری از مردم و حتی نخبگان جامعه سوال می‌شود که «کارآفرینی» چیست یا کارآفرینان چه کسانی هستند، به سرعت پاسخ می‌دهند که «کارآفرینی» ایجاد کار و شغل است و «کارآفرین» ایجاد کار می‌کند، در صورتی که تعریف «کارآفرینی» و «کارآفرین» این نیست. به گفته متخصصان و کارشناسان، کارآفرینی قصه زندگی انسان‌های موفق هر جامعه است که به جای این که بیایند و در جایی استخدام شوند و مشغول کار شوند، خودشان کسب و کار راه می‌اندازند و به گفته دکتر احمدپورداریانی، کارآفرینان قهرمانان توسعه اقتصادی- اجتماعی جوامع می‌باشند. (صمدآقایی، ۱۳۷۸)

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

نخستین گام جهت شناخت و تبیین درست هر مفهوم یا پدیده، ارائه تعریف روشن از آن است. کارآفرینی همانند سایر واژه‌های مطرح در علوم انسانی، هنگامی قابل تحلیل و تبیین می‌باشد که بتوان تعریف یا تعاریف روشن و مشخصی از آن ارائه نمود. از آن جا که مفاهیم علوم انسانی در زمره مفاهیم قطعی علوم فیزیک و شیمی به شمار نمی‌رود، ارائه یک تعریف قطعی و مشخص برای واژه‌های آن، کاری دشوار و حتی غیرممکن است. «کارآفرینی» نیز یکی از واژه‌هایی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و از ابتدای طرح آن در محافل علمی، تعاریف متفاوت و حتی متناقضی از دیدگاه‌های گوناگون برای آن ارائه شده است (Guroi & Atsan, 2006).

موانع اساسی شخصیتی در بروز کارآفرینی شامل: ۱- عادت به عادت‌ها ۲- ترس از شکست ۳- دل‌سرد کردن خود توسط دیگران ۴- وراثتی دانستن قوه خلاقه ۵- رفتارهای اکتسابی ۶- انتظارات غیر منطقی ۷- عدم اطلاع از دانشی که در اختیار ماست ۸- گرایش به انجام کارها به طریق عادی ۹- تصور اینکه هر گام را باید به ترتیب انجام داد ۱۰- اعتقاد به جایگاه خود زندگی ۱۱- پیروی از عقاید و سنت‌های قدیمی ۱۲- گرایش به انجام کارهای

1. Need for Achievements

2. Innovation & Creative

3. Need for Ambiguity

4. Entrepreneurial

به لحاظ اهمیت و نقش کارآفرین و کارآفرینان در روند رشد و توسعه کشور در دهه گذشته، دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه و پیشرفته با توجه به نیازها و امکانات خود، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی ویژه و متنوعی برای آموزش و تربیت کارآفرینان به اجرا گذاشته‌اند. به سخن دیگر، همچنان که اقتصاد کشور، قوانین و مقررات و نیازهای بازار کار، دگرگونی و تحول می‌یابند، نظام‌های آموزش عالی در تلاش هستند تغییراتی در برنامه‌های خود ایجاد کنند و با توسعه اقتصادی و بازار کار هماهنگ شوند، زیرا هدف از اجرای طرح کارآفرینی در دانشگاه‌ها، پرورش دانشجویانی است که بتوانند پس از دانش‌آموختگی شغل تازه‌ای همراه با نوآوری و ابتکار ایجاد کنند. (هاشمی، ۱۳۸۰)

از این رو امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیتهای دانشگاه‌های خارجی تبدیل شده است. آنچه در این دوره‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اهداف آموزشی، مناسب‌بودن محتوای دوره‌های آموزشی، کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس، ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش کارآفرینی، گسترش پژوهش‌ها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم به منظور راه‌اندازی فعالیتهای کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان، ترکیب اعضای برگزارکننده دوره‌ها و فعالیتهای آموزشی کارآفرینی، اثربخشی دوره‌های کارآفرینی و تطبیق و هماهنگی دوره‌های آموزشی و موارد یاد شده با یکدیگر به منظور تربیت دانشجویان و دانش‌آموختگان کارآفرین است. (صمدآقایی، ۱۳۷۸)

بر همین پایه در دهه ۱۹۸۰، دانشگاه‌ها بر حسب ویژگی‌های گروه‌های دانشجویی و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، همزمان با افزایش شمار دوره‌های آموزشی درخصوص روند کارآفرینی، برنامه‌های آموزشی

شناخته شده ۱۳- محدودیت‌های تصویری و تصویری ۱۴- اعتقاد منفی به جبر و قسمت ۱۵- سازگاری با گروه (همرنگی با جماعت) ۱۶- موهوم پرستی ۱۷- استراحت طلبی افراطی و مسامحه و تنبلی ۱۸- اتکاء روانی به بزرگتر و پیروی افراطی از رفتار آنان ۱۹- موانع ذهنی ۲۰- عدم انعطاف پذیری ۲۱- تفکر منفی (آراسته‌پور، ۱۳۸۲).

رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر موضوع کارآفرینی و توسعه آن موجب ایجاد موجی از سیاستهای توسعه کارآفرینی در دنیا شده است. کشورهای مختلف راه‌حلهایی را که در سه دهه گذشته برای فائق آمدن بر مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی به آنها روی آورده‌اند. پژوهشها نشان می‌دهند که مهمترین عامل موثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش است و مناسب‌ترین محیط برای پرورش کارآفرینان محیط‌های آموزشی و به ویژه مدارس و دانشگاه هاست. ویژگی‌های شخصیتی افراد و مشکلات اقتصادی و... از عوامل موثر در کارآفرینی محسوب می‌شود. بطوریکه یافته‌های تحقیقی در یک مطالعه که در مورد ۱۲۹ کارآفرین آمریکائی انجام شده نشان داد که ۳۴٪ کارآفرینان در جلب سرمایه‌گذاری دچار مشکل و مدیریت مالی را دومین مشکل عمده خود ذکر کرده‌اند (Jablin, & Putnam, 2001). همچنین مطالعه دیگری که از طریق مصاحبه با کارآفرینان شرکت کننده در برنامه آموزشی توسعه کارآفرینی در رومانی انجام شد نشان می‌دهد که اکثر آنها احساس می‌کنند مهم‌ترین موانعی که در ابتدای راه باید بر آنها غلبه کرد موانع درونی از جمله ترس از شکست، کمبود جسارت، کمبود حمایت: حمایت معنوی و نبود الگوی مناسب است. در این مقاله سعی شده است از دانشجویان کارآفرینان که بر اساس آزمون استاندارد شده شناسایی کارآفرینی غربال شده‌اند یک نیازسنجی به منظور بررسی موانع موجود در مسیر کارآفرینی، ارائه راهبردها و پیشنهادات به عمل آید (Giunipero and pear, 2000).



«توونته» یا دانشگاه های دیگر و نیز افرادی که شغل خود را در صنعت از دست داده بودند کمک کرد تا کسب و کار جدیدی را راه اندازی کنند. این افراد قادر بودند در صورت تمایل به فعالیت در آزمایشگاه ها و کارگاه ها و استفاده از امکانات آنها، به منظور کار بر روی ایده ها، خدمات، بسته های نرم افزاری و هرآنچه که مایل به تجاری کردن آن بودند، پردازند. زمانی که آنها صاحب یک شرکت مبتنی بر تحقیقات تجاری بودند، به وسیله مشاورانی که اعتبار خود را از دانشگاه ها یا بیرون از آن کسب کرده بودند به بازار معرفی می شدند. (پیرخائفی، ۱۳۸۰)

در قرن بیستم، بعضی از روانشناسان و از جمله مک کله لند^(۱) استاد روانشناسی دانشگاه هاروارد اقدام به طرح نظریه روانشناسی توسعه اقتصادی نمودند. مک کله لند معتقد بود که عامل عمده عقب ماندگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه مربوط به عدم درک خلاقیت فردی است. و عقیده داشت که در انسان سه نیاز وجود دارد که عبارتند از: نیاز به توفیق یا توفیق طلبی، نیاز به قدرت، و نیاز عاطفی یا احساس تعلق. وی پس از انجام مطالعات و تحقیقات مختلف نتیجه می گیرد که با اینکه روحیه انسان برای توفیق در دوران کودکی شکل می گیرد ولی در عین حال می توان با یک برنامه صحیح آموزشی روحیه خلاق و رسالت کاری را در افراد بوجود آورد. از این نتایج این نکته استنباط می شود که علیرغم نظریه ویر، با یک برنامه صحیح تعلیم و تربیت می توان همان رسالت کاری را که ناشی از آیین پروتستانی است در جوامع غیر پروتستانی نیز به وجود آورد. بنابراین بر اساس نظریه مک کله لند، جوامع غیر پروتستانی نیز می توانند با ایجاد روحیه کاری لازم، شرایط را برای صنعتی شدن مهیا سازند (تفضلی، ۱۳۷۲).

اختلافات اساسی آنها را از نقطه نظرات و دورنمای فلسفی مورد بحث قرار داده اند. به نظر آنها، برای

و پژوهشی متعددی نیز برای سازمانهای خصوصی و عمومی طراحی و اجرا کرده اند. (جعفری و اخوان، ۱۳۸۵) دولت های اروپایی نیز حمایت های ویژه ای از فعالیت هایی که به تشویق کارآفرینی در جوانان منجر می شود، روی آورده اند.

در آمریکا نیز آموزش کارآفرینی در چارچوب دوره های دانشگاهی و از سوی مؤسسه های ویژه مورد توجه بسیار قرار گرفته است. کانادا و برخی از کشورهای آسیایی چون فیلیپین، هند و مالزی نیز گام های اساسی در جهت پشتیبانی از فعالیت های کارآفرینی برداشته اند. این حمایت ها در برگزیده راهنمایی های عملی، مشاوره، ارائه تسهیلات مالی و برگزاری دوره های ویژه در خصوص کارآفرینی در دانشگاه ها یا خارج از آنهاست. بدین ترتیب با ارزیابی درس ها و دوره های گوناگون آموزشی کارآفرینی می توان گفت در موارد یاد شده تلاش های زیادی در زمینه ارائه آموزش مربوط به کارآفرینی، کسب تخصص ها و مهارت های لازم در جهت بهره منده از فرصت های اقتصادی، القای خطر مخاطره پذیری در فعالیت های کارآفرینانه و تقویت نگرش ها و تمایلات در راستای پذیرش دگرگونی های به عمل آمده است. (قانعی راد، ۱۳۸۰)

دانشگاه توونته- هلند، «توونته» با نیم میلیون جمعیت در شرقی ترین قسمت هلند و در نزدیکی مرکز آلمان واقع شده است. در دهه ۶۰ و ۷۰، حدود چهار هزار شغل در این منطقه از بین رفت. از آنجایی که این منطقه دارای اقتصاد تک قطبی مبتنی بر صنعت نساجی بود، این حادثه تأثیر مخرب چشمگیری در اقتصاد منطقه گذاشت. با توجه به رکود اقتصادی منطقه ای دانشگاه تصمیم گرفت ضمن همکاری با شرکت های مختلف فعالیت خود را بر روی بنگاه های کوچک و متوسط متمرکز کند. در سال ۱۹۸۵، پروژه های با هدف ایجاد ۱۵ شرکت جدید در سال، با پشتیبانی دانشگاه آغاز به کار کرد. این پروژه که به TOP موسوم بود، به فارغ التحصیلان دانشگاه

¹ McClelland.

مشارکت هرچه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور، آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه های کشور تهیه و برای اجرا به دانشگاه ها ابلاغ شود.

توسعه کارآفرینی در برنامه مورد اشاره در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن و نیز جهاد دانشگاهی مطرح و در حال اجراست.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت اجرایی «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه های کشور» را که به اختصار «کاراد» نامیده می‌شود، به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار کرده است. این سازمان نیز از اواخر سال ۱۳۷۹ نسبت به سازماندهی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های مجری طرح اقدام نموده است (مقیمی، ۱۳۸۱).

تحقیقات مستقیم با این موضوع انجام نشده ولی تحقیقات مرتبط از قرار زیر است:

۱- آقای جواد پور کریمی در تحقیق خود به عنوان (بررسی عوامل مؤثر بر خود اشتغالی دانش آموختگان دانشگاهی) به بررسی عوامل مؤثر بر خود اشتغالی که دارای متغیرهایی چون عامل تشویق اطرافیان، انگیزه پیشرفت و عوامل محیطی فردی پرداخته است و نتیجه گرفت که این عوامل قابل آموزش و یادگیری بوده و با اندکی برنامه ریزی و سیاست‌گذاری می‌تواند انگیزه پیشرفت دانشجویان را بالا برده و در نتیجه روحیه کارآفرینی را در آنها تقویت نموده و آنها را به سمت کارآفرینی و اشتغال در بخش خود اشتغالی سوق داد (پورکریمی، ۱۳۸۵).

۲- مهران آوخ کیشمی در تحقیق بررسی کارآفرینی تکنولوژی علمی کاربردی بر اشتغال دانش آموختگان سالهای ۷۴-۷۵-۷۶ پرداخته و نتیجه گرفت که میانگین اشتغال دانش آموختگان علمی کاربردی ۷۵-۷۶ بیشتر است و با کارآموزی در مراکز دانشجو مهارت دانش مدیریت بازار کار و مرتبط با یک زمینه شغل خاص را کسب می‌کنند و با ایجاد یک رابطه مناسب بین دانشجویان

کارآفرینان آینده‌نگر که دارای افکار نوآورانه هستند عوامل وضعیتی، بر تصمیم‌گیری‌هایشان در شروع فعالیتهای مخاطره‌آمیز تأثیر می‌گذارد (Collins et al, 1964).

نکته قابل ذکر اینکه، از نگرش پیشگامان این رویکرد پیداست که دورنمای اصلی در این رویکرد بر اساس تفاوت قائل شدن بین کارآفرین و غیرکارآفرین بوده است با فرض اینکه کارآفرینان دارای ویژگیهایی هستند که زیربنای رفتار و موفقیت آنان را شکل می‌دهد. آنچه که این قبیل محققین به دنبال آن بودند در واقع فردی نمودن و یا نسبت دادن تمامی فعالیتهای حوزه کارآفرینی به شخص می‌باشد. بعبارت دیگر، هدف از اینگونه تحقیقات شناسایی افرادی بود که قادر به تأسیس یا رشد شرکتهای جدید و موفق بوده‌اند. در واقع پس از انجام مطالعات و تحقیقات مختلف به نظر آنها، فقط افراد دارای جوهره کارآفرینی می‌توانند کارآفرین شوند برای کارآفرینان آینده نگر که دارای افکار نوآورانه هستند عوامل وضعیتی، بر تصمیم‌گیری‌هایشان در شروع فعالیتهای مخاطره‌آمیز تأثیر می‌گذارد که با یک برنامه صحیح آموزشی روحیه خلاق و رسالت کاری را در افراد می‌توان بوجود آورد. و نیز با ایجاد روحیه کاری لازم، شرایط را برای صنعتی شدن مهیا سازند. (وارث، ۱۳۷۸)

در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به کارآفرینی توجهی نشده بود اما در این برنامه به علت وجود بیکاری گسترده بویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاه ها و پیش‌بینی تشدید این معضل در دهه ۱۳۸۰، کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس بند ۲-الف، راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی مندرج در جلد دوم پیوست شماره ۲ لایحه برنامه پنج ساله سوم توسعه، کارآفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان از راه تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی تأکید شده است. لذا به منظور توسعه و ارتقای سطح کارآفرینی، بویژه ابعاد آموزشی و پرورشی دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم‌آوردن

خود را به دانش و مهارت کارآفرینی تجهیز نمایند تا آنها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه سازمان را به سوی حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند. (اسکندانی، ۱۳۷۹)

در جهان پیشرفته، آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاه ها تبدیل شده است. طی دهه ۱۹۸۰ دانشگاه ها برحسب ویژگی گروه های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه ای و ملی، برنامه های آموزشی متعددی را برای سازمانهای خصوصی و دولتی طراحی نموده اند و به برگزاری دوره های ویژه در خصوص کارآفرینی در درون دانشگاه ها یا خارج از دانشگاه ها همت گماشته اند.

مسئله اصلی در این تحقیق به صورت زیر است:
موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه اعضاء هیأت علمی دانشگاه پیام نور خراسان رضوی کدامند؟

۴- فرضیه ها

فرضیه ۱: دلسرد کردن خود توسط دیگران باعث عدم توسعه کارآفرینی می گردد.

فرضیه ۲: موانع ذهنی باعث عدم توسعه کارآفرینی می گردد.

فرضیه ۳: عدم انعطاف پذیری موجب عدم توسعه کارآفرینی می گردد.

فرضیه ۴: تفکر منفی در کارآفرین باعث عدم توسعه کارآفرینی می گردد.

۵- روش شناسی

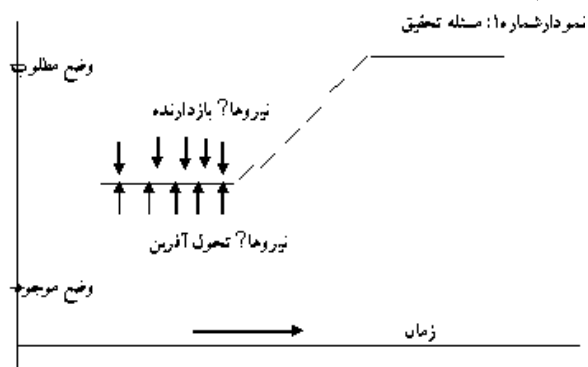
تحقیق حاضر از نظر روش توصیفی و از حیث هدف کاربردی است. در این تحقیق از پرسشنامه ای محقق ساخته استفاده گردید که شامل ۲۰ سؤال است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب اعتبار محاسبه شده ۰/۷۸۶ درصد می باشد که حاکی از همبستگی داخلی سؤالات پرسشنامه است. هم چنین ساختار محتوای پرسشنامه طراحی شده،

و کارفرمایان می توان زمینه فرصت شغلی را فراهم آورد (آوخ کیشمی، ۱۳۸۵).

۳- بیان مسئله

دنیای در حال تحول امروز، کامیابی را از آن جوامع و سازمان هایی می داند که بین منابع کمیاب، قابلیت های مدیریتی و منابع انسانی خود، رابطه ای منطقی و معنی دار برقرار سازند. به عبارت دیگر، جامعه و سازمانی می تواند در مسیر توسعه، حرکت روبه جلو و پرشتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آنها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند.

مسئله یعنی تفاوت بین وضع موجود و مطلوب. به عبارت دیگر، مسئله یعنی فاصله بین جایی که هستیم و جایی که می خواهیم باشیم. مسئله وقتی حل می شود که توانسته باشیم وضعیت موجود را به وضعیت مطلوب تبدیل کرده باشیم.



(رایبیز، ۱۳۷۸، ۱۱۳۹)

در دنیای در حال تحول و پیشرفت امروز، کامیابی از آن جوامع و سازمان هایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معنی داری برقرار نمایند. به عبارتی دیگر جامعه و سازمانی می تواند در مسیر توسعه، حرکت رو به جلو و با شتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی

نظر سازمانی بر کارآفرینی سازمانی دارند، انتخاب نموده و مدل تحلیلی زیر تدوین گردید.

به منظور برنامه‌ریزی جهت اجرای طرح تحقیق حاضر، می‌توان از مدل‌های مفهومی مختلفی استفاده کرد. همانگونه که در بیان فلسفه استفاده از مدل تحلیلی تحقیق گفته شده است شروع کار طرح تحقیق حاضر با استفاده از این مدل تحلیلی خواهد بود اما در حین کار مطمئناً از مدل‌های تحلیلی دیگر نیز کمک گرفته خواهد شد. مدل تحلیلی تحقیق مستند به ادبیات تحقیق ارایه و روابط بین مولفه‌ها ی آن از تجزیه تحلیل فصل ۴ در شکل ۳-۳ آمده. به منظور آزمون قابلیت اجرایی بودن یک مدل یا الگو، در حالت کلی می‌توان از چهار روش استفاده کرد که عبارتند از: اجرای مدل در دنیای واقعی (Mulford & Rogers, 1982)، استفاده از فنون ریاضی و شبیه‌سازی (Barjis et al, 2000)، و بالاخره تئوری‌پردازی از طریق مقایسه دیدگاه‌های تئوریک مختلف (Feldman, 2004). در تحقیق حاضر روش اول مورد استفاده قرار گرفت.

۷- یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱: دل‌سرد کردن خود توسط دیگران باعث عدم توسعه کارآفرینی می‌گردد.
جدول شماره ۱: تحلیل مانع دل‌سرد کردن خود توسط دیگران

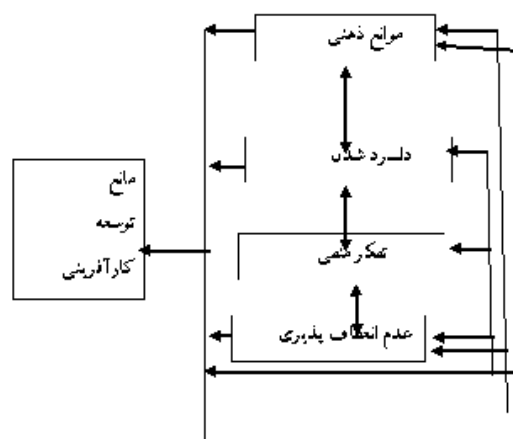
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
دگرسیب	۲۷۶۲۵	۱	۲۷۶۲۵	۴۴/۹۵۴	۰/۰۰۰
باقیمانده ها	۴۷۷۵۷	۵۹	۸۱		
مجموع	۸۴۳۸۲	۶۰			
ضریب استاندارد ضریب بتا	آزمون t	سطح معنی داری			
۰/۶۵۸	۶۷۰۰۵	۰/۰۰۰			

به نظرسنجی تعدادی از متخصصان و کارشناسان مربوطه گذاشته شده، پس از اعمال نظر و انجام اصلاحات مورد نظر روایی آن مورد تأیید قرار گرفت.

بعد از ارائه یافته‌های مربوط به گروه نمونه پژوهش ضمن بررسی فرضیات کلی و اهداف اولیه طرح به تجزیه و تحلیل سؤال‌های پرسشنامه به منظور بررسی وجود تفاوت بین وضعیت موجود و شرایط مطلوب و همچنین خصوصیات فردی آنها پرداخته می‌شود. سپس با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی به فرضیات مطرح شده در ابتدای تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون T همبسته و F مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۶- مدل مفهومی

شکل شماره ۱: مدل مفهومی توسعه کارآفرینی



مرور ادبیات موضوعی مربوط به تحقیق حاضر نشان داده است که عوامل مختلفی در تقویت نگرش کارآفرینی سازمانی وجود دارد. در تحقیق حاضر از بین این عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار کارآفرینی سازمانی پس از غربالهای متعدد و با در نظر داشتن جامعه و محیط مورد بررسی؛ همچنین میزان اشتراک نظر محققین درباره انتخاب این عوامل در تحقیقات متعدد، عواملی را که به نظر می‌رسید بیشترین تأثیر را چه از نظر فردی و چه از

همچنانکه ملاحظه می‌گردد، فرض تأثیر متغیر عدم انعطاف‌پذیری در عدم توسعه کارآفرینی، پذیرفته می‌شود، زیرا سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰,۰۱ می‌باشد و ضریب بتا استاندارد نشان می‌دهد که ۶۳ درصد تغییرات مربوط به سنجش عدم انعطاف‌پذیری توسط سؤالات فوق، پوشش داده شده است.

جدول شماره ۳: تحلیل مانع عدم انعطاف‌پذیری

مدل	مجموع مربعات آزادی	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
رگرسیون	۳۳۲۱	۱	۳۳۲۱	۳۷۷۱۲	۰/۰۰۰
باقیمانده ها	۵۱۰۶۱	۵۹	۶۸		
مجموع	۸۴۸۲	۶۰			
ضریب استاندارد		آزمون t	سطح معنی داری		
ضریب بتا					
		۶/۲۲۲		۰/۰۰۰	

فرضیه ۴: تفکر منفی در کارآفرین باعث عدم توسعه کارآفرینی می‌گردد.

جدول شماره ۴: تحلیل مانع تفکر منفی

مدل	مجموع مربعات آزادی	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
رگرسیون	۶۲۴۲	۱	۶۲۴۲	۱۷۲۱/۵۵	۰/۰۰۰
باقیمانده ها	۷۱۴۰	۵۹	۸۱		
مجموع	۸۴۸۲	۶۰			
ضریب استاندارد		آزمون t	سطح معنی داری		
ضریب بتا					
		۱۳/۱۱۷		۰/۰۰۰	

همچنانکه ملاحظه می‌گردد، فرض تأثیر متغیر تفکر منفی در عدم توسعه کارآفرینی، پذیرفته شده است زیرا، سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰,۰۱ می‌باشد و ضریب بتا استاندارد نشان می‌دهد که ۸۶ درصد تغییرات مربوط به سنجش تفکر منفی توسط سؤالات فوق، پوشش داده شده است.

همچنانکه ملاحظه می‌گردد، فرض تأثیر متغیر دل‌سرد کردن خود توسط دیگران در عدم توسعه کارآفرینی پذیرفته می‌شود، زیرا سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰,۰۱ می‌باشد و ضریب بتا استاندارد نشان می‌دهد که ۶۶ درصد تغییرات مربوط به سنجش دل‌سرد کردن خود توسط دیگران از طریق سؤالات فوق، پوشش داده شده است.

فرضیه ۲: موانع ذهنی باعث عدم توسعه کارآفرینی می‌گردد.

جدول شماره ۲: تحلیل موانع ذهنی

همچنانکه ملاحظه می‌گردد، فرض تأثیر متغیر موانع ذهنی در عدم توسعه کارآفرینی، پذیرفته می‌شود، زیرا سطح معنی‌داری کم‌تر از ۰,۰۱ می‌باشد و ضریب بتا استاندارد نشان می‌دهد که ۸۸ درصد تغییرات مربوط به سنجش موانع ذهنی توسط سؤالات فوق، پوشش داده شده است.

مدل	مجموع مربعات آزادی	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۱۱	۱	۵۱۱	۲۰۵/۲۵۰	۰/۰۰۰
باقیمانده ها	۱۸۷۲	۵۹	۳۲		
مجموع	۲۳۸۳	۶۰			
ضریب استاندارد		آزمون t	سطح معنی داری		
ضریب بتا					
		۱۴/۳۲۷		۰/۰۰۰	

فرضیه ۳: عدم انعطاف‌پذیری موجب باعث عدم توسعه کارآفرینی است.

جدول شماره ۳: تحلیل مانع عدم انعطاف‌پذیری

مدل	مجموع مربعات آزادی	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۱۱	۱	۵۱۱	۲۰۵/۲۵۰	۰/۰۰۰
باقیمانده ها	۱۸۷۲	۵۹	۳۲		
مجموع	۲۳۸۳	۶۰			
ضریب استاندارد		آزمون t	سطح معنی داری		
ضریب بتا					
		۱۴/۳۲۷		۰/۰۰۰	

جدول شماره ۵: رتبه بندی فریدمن

مولفه ها	میانگین رتبه ها
موانع ذهنی	۳/۵۴
تفکر منفی	۲/۸۲
عدم انعطاف پذیری	۱/۸۴
دلسرده کردن خود توسط دیگران	۱/۸۰

جدول شماره ۷: مقایسه‌ی میانگین فرضیه‌های فرعی تحقیق

مولفه ها	میانگین شرایط مطلوب	میانگین شرایط موجود	میزان اختلاف میانگین
مجموع	20*3=60	۷۵.۴۲	-15.42
دلسرده کردن خود توسط دیگران	5*3=15	17.56	-2.56
موانع ذهنی	5*3=15	20.70	-5.7
عدم انعطاف پذیری	5*3=15	17.79	-2.79
تفکر منفی	5*3=15	19.38	-4.38

نتایج حاصل از بررسی اختلاف میانگین‌ها توسط آزمون T همبسته، نشان دهنده‌ی وجود اختلاف بین وضعیت موجود توسعه کارآفرینی با شرایط مطلوب آن می باشد. با توجه به جدول مقایسه‌ی میانگین‌ها و آزمون‌های آماری انجام شده بر روی آن‌ها، ملاحظه می‌شود که وجود اختلاف در تمامی آنها با شرایط مطلوب و شرایط موجود مشهود می‌باشد و این اختلافات نشان دهنده این است که وضعیت موجود در مقایسه با وضعیت مطلوب در شرایط بدتری می باشد و آزمون‌ها نیز این نتیجه را تایید می‌کنند و آماره آزمون (سطح معنی داری) نیز این امر را به وضوح نشان می‌دهد زیرا در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۱ بوده و اختلاف میانگین‌ها نیز منفی می‌باشد.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مطالعات و تحقیقات مختلف انجام شده، به نظر می‌رسد افراد دارای جوهره کارآفرینی می‌توانند کارآفرین شوند، برای کارآفرینان آینده نگر که دارای افکار نوآورانه هستند عوامل وضعیتی، بر تصمیم‌گیری آنان در شروع فعالیتهای مخاطره‌آمیز تأثیر می‌گذارد که با یک برنامه صحیح آموزشی روحیه خلاق و نوآور را در آنها می‌توان بوجود آورد. همچنین عوامل مؤثر بر خود اشتغالی قابل آموزش و یادگیری بوده و با اندکی برنامه ریزی و سیاست‌گذاری می‌توان با ایجاد رابطه مناسب بین اعضای هیات علمی و دانشجویان، انگیزه پیشرفت دانشجویان را بالا برده و در نتیجه روحیه کارآفرینی را در آنها تقویت نمود. با کار آموزی دانشجویان مهارت، دانش، مدیریت بازار کار و مرتبط با یک زمینه شغل خاص را کسب

با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس رتبه بندی فریدمن، بیشترین اثر را به ترتیب، موانع ذهنی با میانگین ۳/۵۴، تفکر منفی با میانگین ۲/۸۲، عدم انعطاف پذیری با میانگین ۱/۸۴ و در آخر دلسرده کردن خود توسط دیگران بر روی عدم توسعه کارآفرینی دارا می‌باشد.

جدول شماره ۶: مقایسه تأثیر هر یک از مؤلفه‌های اصلی در رسیدن به هدف کلی

مولفه ها	ضریب استاندارد	
	ضریب بتا β	آزمون t
دلسرده کردن خود توسط دیگران	۲۰.۴۰	۹.۲۲۲۹
موانع ذهنی	۲۸.۸۰	۱۷.۰۷۲
عدم انعطاف پذیری	۲۲.۵۷	۱۰.۳۵۸
تفکر منفی	۲۸.۲۲	۱۱.۸۸۶
مجموع	۱۰۰	

در جدول شماره ۶ درصد تغییرات مربوط به وضعیت عدم توسعه کارآفرینی به تفکیک سهم هر یک از مؤلفه‌ها، در مؤلفه‌ی اصلی نشان شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد به ترتیب مؤلفه‌ی موانع ذهنی با ۲۸/۸۰ درصد، بیشترین تأثیر و دلسرده کردن خود توسط دیگران با ۲۰/۴۰ درصد کم‌ترین سهم و تأثیر را داشته‌اند. این نتیجه در رتبه بندی فریدمن نیز قابل مشاهده است.



احساسی لازم می توان تفکر منفی و دلسرد کردن خود توسط دیگران را در افراد کاهش داد.

۴- با ایجاد رابطه مناسب بین اعضای هیات علمی و دانشجویان، می توان انگیزه پیشرفت دانشجویان را بالا برده و در نتیجه روحیه کارآفرینی را در آنها تقویت نمود.

منابع

۱- آراسته پور، حمیدرضا (۱۳۸۲) "فعالیت های روزانه روسای دانشگاه: درگیر مسایل خرده اجرایی" رهیافت شماره ۲۹.

۲- آوخ کیشمی، مهران (۱۳۸۵) بررسی کارآفرینی تکنولوژی آموزش علمی کاربردی بر اشتغال دانش آموختگان، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۲۵ و ۲۶ بهمن ۸۵.

۳- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۷۸). "کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها"، انتشارات پردیس.

۴- اسکندانی حمید (۱۳۷۹). ویژگیهای کارآفرین و کارآفرینان ایرانی، مجله صنعت و مطبوعات، شماره ۷۶.

۵- پیرخانی، علیرضا (۱۳۸۰) خلاقیت، مدیریت و کارآفرینی، فصلنامه خلاقیت و نوآوری، شماره ۹.

۶- جعفری، مصطفی و پیمان اخوان (۱۳۸۵) توسعه مدل کارآفرینی سازمانی مبتنی بر مدیریت دانایی، نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۷- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۰). مدیریت خلاقیت و خلاقیت در مدیریت، رهیافت، شماره ۲۶.

۸- رضائیان، علی (۱۳۸۴) مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.

۹- زالی محمدرضا و مصطفی رضوی (۱۳۸۷) پژوهشی در زمینه موانع توسعه کارآفرینی در ایران.

۱۰- شفیعا، محمدعلی (۱۳۷۱) کارآفرینی با پیوند دانشگاه و صنعت، اولین کنگره ملی مهندسی صنایع و بهروری.

می کنند و با ایجاد یک رابطه مناسب بین دانشجویان و کارفرمایان می توان زمینه فرصت شغلی را فراهم آورد.

همچنان که ملاحظه گردید، فرضیات تحقیق و تأثیر مؤلفه های دلسرد کردن خود توسط دیگران، عدم انعطاف پذیری، موانع ذهنی و تفکر منفی در عدم توسعه کارآفرینی مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس رتبه بندی فریدمن مشخص شد، موانع ذهنی با میانگین ۳/۵۴ بیشترین و دلسرد کردن خود توسط دیگران با میانگین ۱/۸۰ کمترین تأثیر را بر عدم توسعه کارآفرینی دارا می باشند. همچنین تفکر منفی با میانگین ۲/۸۲ و عدم انعطاف پذیری با میانگین ۱/۸۴ در رتبه های بعد می باشند. نتایج حاصل از بررسی اختلاف میانگین ها توسط آزمون T همبسته، نشان دهنده وجود اختلاف بین وضعیت موجود عدم با شرایط مطلوب از نظر توسعه کارآفرینی می باشد. با توجه به جدول مقایسه ی میانگین ها و آزمون های آماری انجام شده بر روی آن ها، ملاحظه می شود که وجود اختلاف در تمامی آنها با شرایط مطلوب و شرایط موجود مشهود می باشد و این اختلافات نشان دهنده این است که وضعیت موجود در مقایسه با وضعیت مطلوب در شرایط بدتری می باشد.

۹- پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق، برای دستیابی به بسترهای مناسب توسعه کارآفرینی اقدامات زیر را می توان در نظر گرفت:

۱- برگزاری سمینار ها و کارگاه های آموزشی و انجام تمرینات مناسب به منظور افزایش روحیه ی انعطاف پذیر در اعضای هیات علمی

۲- با استفاده از آموزش های مهارتی لازم از جمله آموزش حساسیت می توان موانع ذهنی توسعه کارآفرینی را در اعضای هیات علمی کاهش داد.

۳- با استفاده از آموزش های مهارتی لازم و انجام تمرینات مناسب و با بهره گیری از آموزش های روانی و

- challenge? Education+ Training. Vol. 46 No. 8/9, pp.510-519.
25. Mulford, C. L. & Rogers, D. L., (1982), Definitions and models in interorganizational coordination: Theory, research and implementation, Iowa: Iowa State University Press.
26. Rasmussen, E. and Sorheim, R. (2006). Action-based Entrepreneurship education. Technovation. Vol. 26, pp.185-194. International Small Business Journal. Vol. 7 No. 2, pp.11-23.
27. Shane, S. & Venkataraman, S., (2000), The promise of entrepreneurship as a field of research, Academy of Management Review, (26)(1), pp. 217-26.
28. Thornton, M. (2005). The origin of economic theory: a portrait of Richard Cantillon (1680-1734). Available at: www.mises.org/content/cantillon.asp.
29. Tovar, M. and Query, J. (2005). Fulfilling entrepreneurial curriculum needs In rural communities. Community College Journal of Research and Practice. Vol. 29, pp.471-481.
- ۱۱- صمدآقایی جلیل (۱۳۷۸) سازمانهای کارآفرین، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
- ۱۲- قانع راد، محمد امین (۱۳۸۰) روش شناسی و خلاقیت علمی، رهیافت شماره ۲۶، ۱۳- مقیمی، فضل‌ا. (۱۳۸۱) کارآفرینی، سنجش و پژوهش، گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش شماره ۲۶.
- ۱۴- وارث سیدحامد (۱۳۷۸) کارآفرینی دوستی، مجله تحول اداری، شماره خرداد.
- ۱۵- هاشمی، حمید. (۱۳۸۰) سرمایه‌های جاودان، ویژه‌نامه همایش کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
16. Edwards, M. et al, (2000), NGOs in a global future: Marrying local delivery to world wide leverage, NGOs Conference.
17. Feldman, D. C., (2004), The devil is in the detail: Converting good research into publishable articles, Journal of Measurement, (30)(1), pp. 1-6.
18. Glancey, K.S. and McQuaid, R.W. (2000). Entrepreneurial Economics. Palgrave, Basingstoke. P.6.
19. Gurol, Y. Atson, N (2006) "Entrepreneurial characteristics among university students" Education + Training, Vol.48, No.1, PP.25.38.
20. Henry, C., et al. (2005). Entrepreneurship education and Training: can entrepreneurship be taught? Part I. Education+ Training. Vol. 47 No. 2, pp.98-111.
21. Hytti, U. and Gorman, C. (2004). What is enterprise education? Education+ Training. Vol. 46 No. 1, pp.11-23.
22. Heinonen, J. and Poikkijoki, S. (2006), "An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?". Journal of measurement development. Vol. 25 No. 1, pp.80-94.
23. Johnson, D. (2001). What is innovation and entrepreneurship? Lessons for large Organizations. Industrial and Commercial Training. Vol. 33 No. 4, pp.135-40.
24. Kirby, D. (2004). Entrepreneurship education: can business schools meet the